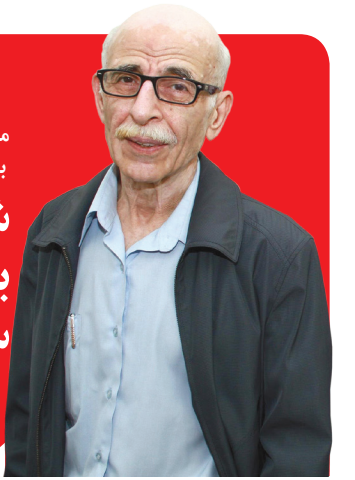


مهدی تقوی در گفت‌وگو با همدلی مطرح کرد:  
**شرایط را برای مردم سخت کرده‌ایم**



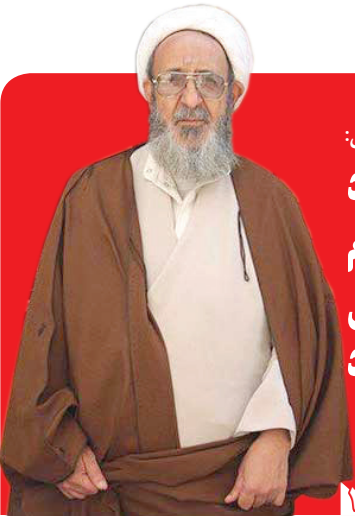
# شماره

## روزنامه

دوشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۸ - ۱۹ ذی‌قعدة ۱۴۴۰ - ۲۲ جولای ۲۰۱۹ - سال پنجم - شماره ۱۲۰۵ - ۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان

هادی غفاری در گفت‌وگو با همدلی:

**انتخابات سرد نوذبالله مردم را به فکر براندازی می‌اندازد**



همدلی از وضعیت نامطلوب مدارس کشور گزارش می‌دهد

**هوشمندسازی از رؤیا تا واقعیت**

«تورم و اجاره‌بها باعث شده است صاحبان برخی از مدارس غیردولتی، فاکتورهای کیفی ساختمان‌ها را از اولویت خود خارج کنند»

واکاوی رفتار سیاسی سیدمحمد خاتمی و انتخابات

# محافظه کاری برای تداوم اصلاحات



مستول روابط عمومی بناگاهه وفا در گفت و گو با همدلی:

**اولویت کدام است؟ درد انسان یا حقوق حیوان**

محمد باقر تاج‌الدین در گفت و گو با همدلی:

**حقوق حیوانات زیر ضرب بی‌اخلاقی**



سرمقاله

یکپارچگی در شرایط اضطرار



احمدخرم وزیر دولت اصلاحات

بحران اقتصادی فعلی کشور صرفاً یک معضل اقتصادی است یا ریشه در شرایط سیاسی کشور دارد؟ پاسخ به این پرسش و تبیین آن، می‌تواند راه‌گشای برخی مسائل کشور باشد که بتوان ریشه معضلات را شناسایی کرد و برای آنها راهکار ارائه داد. آنچه که اکنون به‌عنوان مشکلات و معضلات اقتصادی از آن نام می‌بریم، در درجه اول راه‌حلی اقتصادی ندارد که برای مثال با یک فرمول اقتصادی مشخصی بتوان بر اساس آن مؤلفه‌ها، معضل را برطرف کرد. هرگونه راه‌حل اقتصادی در یک بستر مناسب اجتماعی می‌تواند اثرگذار باشد. این بستر اجتماعی مناسب، حسن استفاده از سرمایه‌های اجتماعی کشور و به‌کارگیری افراد مورد اعتماد مردم است.

یادداشت

عوارض توجه به دین سطحی



ناصر مهدوی استاد دانشگاه

کابلد شکافی تحریم ها



لقمان توتونچی کارشناس مسائل سیاسی

سرمقاله

یکپارچگی در شرایط اضطرار

احمدخرم وزیر دولت اصلاحات

بحران اقتصادی فعلی کشور صرفاً یک معضل اقتصادی است یا ریشه در شرایط سیاسی کشور دارد؟ پاسخ به این پرسش و تبیین آن، می‌تواند راه‌گشای برخی مسائل کشور باشد که بتوان ریشه معضلات را شناسایی کرد و برای آنها راهکار ارائه داد. آنچه که اکنون به‌عنوان مشکلات و معضلات اقتصادی از آن نام می‌بریم، در درجه اول راه‌حلی اقتصادی ندارد که برای مثال با یک فرمول اقتصادی مشخصی بتوان بر اساس آن مؤلفه‌ها، معضل را برطرف کرد.

هرگونه راه‌حل اقتصادی در یک بستر مناسب اجتماعی می‌تواند اثرگذار باشد. این بستر اجتماعی مناسب، حسن استفاده از سرمایه‌های اجتماعی کشور و به‌کارگیری افراد مورد اعتماد مردم است. متأسفانه مشکل عمده کشور این است که هیچ‌یک از مشکلات جامعه از زبان فرد یا کسی که از اعتماد عمومی بالایی برخوردار باشد که تقاضا و توصیه وی مورد حمایت جامعه قرار گیرد و جذاب و موثر باشد، بیان نمی‌شود.

در واقع امروز نیاز به همکاری و مساعدت مردم در حل مشکلات داریم و افراد مورد وثوق جامعه می‌توانند زمینه چنین همکاری‌ای بین مردم و دولت یا حاکمیت ایجاد کنند. حمایت، همراهی، اعتماد و حرف‌شنوی از دولت و دستگاه‌های دیگر باید توسط اشخاصی از جامعه که به دلایل مختلف رانده شده‌اند یا از برخی عملکردها گلایه دارند، به حمایت برخیزند. دلخوری‌های مردم باید از طریق چهره‌های محبوب و مطلوب، رفع شود. لازمه این مهم، بازبینی سیاست‌های نغی‌کننده و دورکننده افراد مطلوب جامعه از مردم است.

همچنین لازم است، به برخی چهره‌هایی که با محدودیت‌هایی مواجه هستند، اجازه حضور و بروز مجدد داد تا بیان، کلام و ارتباط آنها و ارتباط صمیمانه ایشان با جامعه، به کمک پیشبرد سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی دولت و نظام بیاید. مردم قطعاً به این چهره‌ها علاقه دارند و برایشان احترام قائلند و به پاس همین امر از سیاست‌های اصلاحی و راهبردی مسئولان امر حمایت خواهند کرد. مهم‌ترین نیاز جامعه ما، به خدمت گرفتن ظرفیت‌های اشخاص و چهره‌های مورد احترام و محبوب است که طی این سال‌ها دچار بی‌مهتری شده‌اند، برای موفقیت در طرح و برنامه‌هایی که امروز اجرایی شدن آنها یک ضرورت است، رجوع و استفاده از ظرفیت و کلام و توصیه آنها ضروری است، اما متأسفانه بخشی از سیاست‌های گذشته آسیب‌هایی زده است که تصور می‌شود این اشخاص و شخصیت‌ها قابل بازگشت نیستند. هنوز در بدنه اجتماعی جامعه دلخوری‌هایی وجود دارد و در عین حال جامعه هنوز برای چهره‌های سیاسی احترام قائل است و از این نظر چهره‌هایی محبوب و ملی محسوب می‌شوند که طی چند سال اخیر اثرگذاری خود را روی افکار عمومی نشان داده‌اند.

در پایان تأکید می‌شود، کشور روزهای پر از مشکلی را تجربه می‌کند و دقیقاً به همین دلیل، بیش از هر مقطع دیگری به اتحاد و انسجام نیاز داریم. اتحاد و انسجامی قطعاً با جدل و اختلاف محقق نخواهد شد. پس همه باید با توجه به شرایط اضطرار اهمیت یکدلی را دریابیم تا از این طریق، همه در کنار هم در راستای برداشته شدن موانع تلاش کنیم.

یادداشت

عوارض توجه به دین سطحی

ناصر مهدوی استاد دانشگاه

ملاک دینداری چیست؟ از قرآن می‌توان کمک گرفت. روح واقعی قرآن، دعوت به رشد است: یَهْدِي إِلَى الصِّرَاطِ. ملاک دینداری در میزان رشد روحی آدمیان است.

چقدر آدمی از نظر عقلی و به لحاظ اخلاقی بالغ شود. آدمی که به لحاظ روحی، توانا و فره است، محبوب خداوند است. اما بعضی را می‌بینید که عناوین‌شان بسیار است اما در خردی و کوچکی و کودکی باقی ماندند. مثلاً به لحاظ اخلاقی در همان خردی باقی ماندند، یعنی کار کودکانه می‌کنند، جنگ‌های کودکانه به راه می‌اندازند، چه قضاوت‌ها و تفسیرها تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌هاشان رنگ و بوی کودکانه دارد. عملاً می‌بینید که در حوزه دینداری هم این معضل بزرگ را داریم. یعنی کسانی که داشته‌هاشان، مهم‌تر از بودن‌شان است. مثل دیندارانی که حجم عمل‌شان، بسیار غنی‌تر و بالاتر از روح عمل‌شان است. ما در تاریخ هم به این قصه مبتلا بودیم. یعنی دینداری عامیانه، یا آن چیزی که من به آن نوعی زندگی سطحی می‌گویم، نوعی باور سطحی، بیشتر تأکیدش بر این است که چقدر نماز بخوانید، چقدر روزه بگیرید، چقدر مکه بروید، چقدر گریه کنید، چقدر مراسم و مناسک به راه اندازید. کمتر تأکید می‌کند که با این نماز، به کجا می‌رسید، چه تحولی در روح و روان و فکر شما رخ می‌دهد.

ممکن است آدمی دیندار باشد ولی در سطح پایین قرار بگیرد. فکر نکنید هر کسی نماز خواند، قرآن تلاوت کرد، ناله و لایه سر داد، پرونده و رزومه‌اش پر بود از رفتن و آمدن در مناسک و مراسم مختلف و انجام عبادت‌های متنوع، لایه و آدم فرزانه‌ای است؛ هرگز چنین نیست. ممکن است آدم عبادت بسیار انجام داده باشد، ولی در سطح پایینی باشد. وقتی حجم عمل مهم‌تر از روح عمل باشد، چنین می‌شود. عبادت تحولی در روح و روان شخصیت آدمی موجود می‌آورد. مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم خنده شدم، دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم، تحول عمیق قرار است در ذهن اتفاق افتد. سال می‌آید و می‌رود. همان آدم، بی‌هیچ تغییری. به قول مولوی:

جان پذیرفت و خرد اجزای کوه

ما کم از سنگیم آخر ای گروه

نه ز جان یک چشمه جوشان می‌شود

نه بدن از سبزه‌پوشان می‌شود

مولوی در همین باره حکایتی از شهر حلب دارد که ظاهراً حلب آن زمان، شیعه‌نشین بوده. او دیده بود عده‌ای راحت به هم دروغ می‌گویند، عهد و پیمان خود را می‌شکنند و اوضاع را به هم می‌زنند، ولی از آن طرف، شهر را سیه‌پوش کردند و بر سرسینه می‌زنند و گریه‌ولایه می‌کنند. آن‌ها می‌گویند روز عاشورا نمی‌دانی که هست ماتم جانی که از سر می‌دهد. مولوی می‌گوید بله، من هم قبول دارم که عاشورا یک حادثه دردناک سهمناک و تکان‌دهنده است، اما

عزا بر خود کنید ای خفتگان

زآنکه بد مرگی است این خواب‌گران

روح سلطانی ز زندانی برفت

جامه چه درانی چه خواهید دست

عزا بر خود کنید ای خفتگان. ما هرگز باور نکردیم که باید عزا بر خود کنیم. یعنی توجه به دین سطحی، بدون این‌که به محتوا تأمل کنیم، مناسک، مراسم، ظاهر، احکام، قواعد شرعی، همه اتفاق افتاده است، ولی آن تحول روحی و روانی، برای ما خیلی مهم نبوده است.

یادداشت

کابلد شکافی تحریم ها

لقمان توتونچی کارشناس مسائل سیاسی

تحریم‌ها را به لحاظ استراتژی‌های زمانی و مکانی در رابطه با ایران را میتوان این‌گونه بیان نمود:

از دهه ۹۰ شدت تحریم‌ها علیه ایران کم‌کم اوج گرفت و اختلافات جناح‌های اصولگرا و اصلاح طلب رنگ بیشتری به خود گرفته غافل از اینکه تورم در این مقطع زمانی به اوج رسیده و این بار نیز این افشار تهی دست جامعه است که در زیر فشار تحریم‌ها روزبه‌روز سفره‌هایشان رنگ می‌بازد که خود عاملی بر نارضایتی درونی داخلی است که بر شدت عصبانیت و اعتراضات دامن می‌زند لاکن جناح‌های سیاسی بیشتر در فکر تسویه حساب‌های درون جناحی یا تقلیل جناحی در دور باطل به دنبال بهانه تراشی و انگشت اتهام نشانه رفتن بسوی یکدیگرند.

بی‌تدبیری سیاست‌های اقتصادی ازجانب جناح پیروز انتخابات در دهه نود دراین تپه از زمان که باید سازوکارهای اقتصادی همساز و هم‌نوا با هارمونی مشکلات سیاسی داخلی و خارجی داشته باشند، در مسیر ناصحیح گام بر میدارد که صرفاً نگاه به تسویه حساب‌های جناحی به دور از مشکلات عمومی مردمی دارد.

نگاه صرف جناحی با شعارهای کلیشه‌ای تحریم‌ها را بداندجا ختم نمود که اجماع جهانی بر علیه ملت ایران شکل گرفت به گونه‌ای که شرکای تجاری و استراتژیک ایران یعنی روسیه و چین نیز ایران را تحریم نمودن.

انتخابات ریاست جمهوری با به کرسی نشستن اصلاح طلبان در قالب نو باکلیشه‌های تازه و نو بنام اعتدالیون با سردادن شعارهای عام پسند، باز شدن درهای رحمت دولت بر ملت ایران منجمله شعارهای اقتصادی (عدم نیاز مردم به یارانه‌های نقدی) آگاه‌سازی اجتماعی با اتحاد و همدلی ملی به‌مراه رفع مشکلات حصر... منجر به حمایت مجدد و میلیونی مردم از این طیف با افکار و شعارهای رنگ و لعاب دار سال‌های ۷۶ گشت که متأسفانه یا خوشبختانه هیچ‌کدام عملی نشند.

بعد از گذشت یکسال و نیم به دلیل راکت بودن سیستم اقتصادی و عملی نشدن هیچ‌کدام از شعارهای انتخاباتی سنال ۹۲ جوسازبهای فراوانی برای سیاست‌های خوب و سازنده به منظور حل مشکلات چند ده سال ایران در زمینه انرژی هسته‌ای شکل گرفت که برای پیروز مجدداً انتخاباتی همین بس در قالب یک برنامه چند ماهه این مهم به اتمام رسانند تا برجام در شکل ماهیتی و واقعی صرف به کشیدن چند پرده عکس و دست دادن و روپوشی‌های محفلی و مجلسی خاتمه یابد که عملاً هیچ‌کارانی و تأثیری بر روند زندگی مردم نداشت. با پیروزی مجدد جریان اصلاح طلب با شعارهای (برجام نما) بعد از گذشت یک سال و نیم متأسفانه با خروج یک جانب آمریکا که قانون حق خروج را داشت زیر برجام با یکی از اعضای گروه ۵+۱ با امضای رئیس جمهور وقت آمریکا یعنی آقای اوباما شکل گرفته بود نه به دستور و تصویب کنگره آمریکا که عملاً با برکناری اوباما یا هر رئیس جمهوری این امضا نیز به لحاظ قانونی فاقد ارزش و اعتبار خواهد بود.

بی‌اعتنایی آمریکا به نظر سایر دول در ۵+۱ نیز به سیاست‌های این کشور در قالب منفعت ملی برخوردار گشت.

از فروش اسلحه تا دستیابی به کریدور شمالی - جنوبی ازبواسطه کینه توزی باج ایران.

خروج آمریکا از برجام اختلافات درون جناحی، تقابل و بیگری بیند جناح محافظ کار رقیب، تسویه حساب‌های جناحی که حتی به حیطه خانوادگی نیز کشیده شدیه گونه‌ای که مسئولین را از بازگشتن دور تحریم‌ها جدید و آغاز مشکلات معیشتی بر مردم و باز بودن ند نامیوم کاسبان تحریم وراثت

۲

سیخه‌نویس هاشم‌زاده/ پیندا بیان

۲

۱